

## آینده آمریکای لاتین

نوآم چوامسکی (۷۷) محقق سرشناس زبان و از منتقدین بنام سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا است. او از چهره‌های شاخص چپ آمریکایی است. او تا چند سال پیش در جرگه کسانی بود که رسانه‌های گروهی آمریکا مایل به انتشار آثارشان نبودند. ولی از سال ۲۰۰۱ این روند دگرگون گشته است. الآن در سخنرانی‌های او تعداد افرادی که حضور می‌یابند همیشه بیش از ظرفیت سالن سخنرانی است. اخیراً "نشریه نیویورک تایمز ماهانه شروع به درج مقالات او کرده است. نوآم چوامسکی خود را سوسیالیست آزادیخواه توصیف می‌کند.

متن زیر برگردان نوشته‌ای از اوست که اخیراً در نشریه نیویورک تایمز به چاپ رسیده است.

پرنیان

## آینده آمریکای لاتین

چشم‌اندازهایی که نشان می‌دهد که اروپا و آسیا بطرف استقلال بزرگی می‌روند، برنامه‌ریزان ایالات متحده آمریکا را از بعد از جنگ جهانی دوم نگران کرده است. این نگرانی‌ها پا به پای اینکه "نظم سه‌گانه"، اروپا، آمریکای شمالی و آسیا، تکامل خود را ادامه می‌دهد، فقط افزایش می‌یابد.

هر روز که می‌گذرد آمریکای لاتین مستقل‌تر می‌گردد. ارتباط آنها با آسیا تقویت می‌گردد، در حالی که ابر قدرت حاکم از عدم موفقیت خود در خاورمیانه به تحلیل می‌رود. یکپارچگی منطقه‌ای در آسیا و آمریکای لاتین سئوالی مهم و تعیین کننده است، سئوالی که به چشم واشنگتن حامل پیامی درباره جهانی خارج از کنترل است. انرژی کماکان عامل تعیین کننده در همه جا خواهد بود. و همین انرژی هسته مرکزی منازعه است.

**بر خلاف اروپا چین نمی‌گذارد که واشنگتن او را بترساند.** و باین دلیل است که برنامه‌ریزان ایالات متحده آمریکا از چین می‌ترسند، و این امر حاوی وضعیت دشواری است: یک رودر رویی احتمالی با چین از طرف بخش صنعت و تجارت آمریکا، بخاطر وابستگی صنایع آمریکایی به چین بعنوان سکوی صادرات و بازار در حال رشد، ممانعت به عمل می‌آید. به اضافه اینکه ذخیره اقتصادی چین که گفته می‌شود خود را در سطح ژاپن نزدیک می‌کند، وارد عمل می‌گردد.

در ژانویه پادشاه عربستان سعودی، ملک عبدالله، از پکن بازدید به عمل آورد. و انتظار می‌رود که همکاری اقتصادی بین چین و عربستان سعودی بزودی آغاز گردد. بر طبق وال استریت جورنال همکاری براساس "افزایش درجه همکاری و سرمایه‌گذاری بین دو کشور در زمینه‌های نفت، گاز و سرمایه" قرار خواهد گرفت. الان مقدار زیادی از نفت ایران به چین می‌رود و در مقابل چین ایران را از نظر تسلیحاتی تغذیه می‌کند، چیزی که احتمالاً هر دو کشور به عنوان وسیله‌ای علیه دخالت آمریکا در نظر می‌گیرند.

هند هم چندین امکان انتخاب دارد. آنها یا می‌توانند با ایالات متحده آمریکا رابطه داشته باشند، یا اینکه بخشی

از بلوک مستقل‌تر آسیا بشوند که در حال تشکیل شدن است و هر چه قوی‌تر به تولیدکنندگان نفت در خاورمیانه وصل می‌گردند.

اظهار (Siddharth Varadarjan) سیددارت و ارادارجان, (The Hindu) جانشین سردبیر نشریه هندو داشته است که "اگر قرن بیست و یکم, قرن آسیا خواهد بود, باید نقش منفعل قاره در بخش انرژی تغییر پیدا کند". کلید این امر در همکاری بین چین و هند قرار دارد. قراردادی در ژانویه در پکن امضای شد که راه را برای "یک همکاری در زمینه‌هایی چون تکنولوژی, همچنین استخراج و تولید هیدروکربنات باز کرد". بر "طبق و ارادارجان این همکاری می‌تواند به "تغییرات اساسی در حوضه جهان نفت و انرژی بیانجامد. یکی دیگر از قدم‌ها در این راه طرح‌هایی است در مورد یک بازار نفتی آسیایی که با یورو معامله می‌کنند. این اقدام می‌تواند تاثیر آشکاری بر بخش مالی بین‌المللی و توازن قدرت در جهان داشته باشد.

دیدار بوش از هند که اخیراً به عمل آمد و تلاشی بود برای ننگه داشتن هند در "داخل حریم" زیاد غافلگیرانه نبود. بعنوان یک طعمه بوش از جمله پیشنهاد همکاری‌های اتمی بین دو کشور را داد.

در همین حین حکومت‌های سنتر \_ چپ در آمریکای لاتین در جریان است, از ونزوئلا تا آرژانتین. بومیان این منطقه فعالتر و با نفوذتر گشته‌اند, خصوصاً در اکوادور و بولیوی. در اینجا نظرات مختلفی در مورد نفت و گاز وجود دارد. بعضی‌ها معتقدند که تولیدات باید کنترل ملی داشته باشد, در حالی که دیگران به طرف توقف کامل تولید پیش می‌روند. تعداد زیادی از اعضای جنبش بومیان دلایل خوبی برای اینکه زندگی, جامعه و فرهنگ آنها داغان بشود فقط برای اینکه مردم در نیویورک بتوانند اتوموبیل‌های خود را برانند, نمی‌توانند ببینند.

ونزوئلا, تولیدکننده اصلی نفت در منطقه, در مقایسه با دیگر کشورهای آمریکای لاتین, رابطه نزدیکتری با چین دارد. آنها قصد دارند که صادرات نفت خود را به چین افزایش بدهند. بعنوان قدمی در جهت کاهش وابستگی خود به دولت آشکارا دشمن ایالات متحده آمریکا. ونزوئلا همچنین عضو سازمان "همکاری‌های رئیس (Nestor Kirchner) تجارت آزاد آمریکای جنوبی" شده است. این عمل از طرف نستور کیرچنر جمهور آرژانتین, بعنوان نقطه عطفی در تکامل بلوک تجاری توصیف شده است. لوئیز ایناسیو لولا دا رئیس جمهور برزیل به عضویت ونزوئلا به عنوان یک فصل (Luis Inacio Lula da Silva) سیلوا جدید در یکپارچگی آمریکای لاتین نگاه می‌کند.

ونزوئلا علاوه بر ارسال سوخت به آرژانتین, تقریباً یک سوم از بدهی این کشور در سال ۲۰۰۵ را خریده است. این خرید بعنوان قدمی در جهت کوشش برای رها کردن کشورهای منطقه از زیر کنترل صندوق بین‌المللی پول است, بعد از دو دهه انطباق دادن زیربنای کشورها بر اساس قوانینی که موسسه‌های مالی بین‌المللی (که از طرف ایالات متحده آمریکا کنترل می‌شوند) آنرا تجویز می‌کردند.

(Evo Morales) در دسامبر ۲۰۰۵ قدم جدیدی در راه یکپارچگی در جنوب با به قدرت رسیدن اوو مورالس در بولیوی بعنوان اولین رئیس جمهور با سابقه بومی برداشته شد. مورالس خیلی سریع بعد از (Morales) رسیدن به مقام ریاست جمهوری با ونزوئلا توافقنامه انرژی امضای کرد. در نشریه فاینانشیال تایمز می‌خوانیم که: "انتظار می‌رود که این توافق‌نامه‌ها در جهت حمایت از رفرمهای رادیکالی که در عرصه انرژی و اقتصاد در بولیوی به وقوع خواهد پیوست, است". کشور بولیوی بعد از ونزوئلا دارای ذخایر عظیم گاز در آمریکای لاتین است.

رابطه بین کوبا و ونزوئلا بیش از هر زمان دیگری نزدیکتر است. دو کشور از امتیازات همدیگر استفاده می‌کنند: ونزوئلا برای کوبا سوخت ارزان تهیه می‌کند، در حالی که کوبا برنامه‌های ریشه‌کنی بیسوادی را با فرستادن معلمین مجرب و کارآموده اجرا می‌کند. دکترهای کوبایی با کیفیت بالا به تمام نقاط فقیر نشین ونزوئلا فرستاده می‌شوند.

کمکهای پزشکی کوبا به نقاط دیگر فرستاده می‌شوند. یکی از غمناک‌ترین تراژدی‌های معاصر زمین لرزه‌ایی بود که پاکستان را در اکتبر ۲۰۰۵ لرزاند. با وجود تلفات بالای انسانی، کسانی که از زلزله جان سالم بدر برده‌بودند، می‌بایستی از پس سرمای شدید زمستان بدون داشتن سرپناه، غذا و دارو، بر بیایند. جان در مقاله‌ایی می‌نویسد: "کوبا ارسال (Frontline) در مجله هندی خط جبهه (John Cherian) چریان کننده بزرگترین گروه دکتر و دیگر پرسنل پزشکی به پاکستان بوده است". کوبا همه مخارج را به تنهایی رئیس جمهور پاکستان (Pervez Musharraf) تقبل کرد (شاید با کمی حمایت از ونزوئلا). پرویز مشرف "تشکر قلبی خود را بخاطر همدردی و شجاعت تیم پزشکی کوبایی" از فیدل کاسترو اظهار داشت. تیم پزشکی کوبایی شامل ۱۰۰۰ نفر می‌شدند که ۴۴٪ از آنها زن بودند.

جنبش مردمی مرتباً، خصوصاً در جنوب و همچنین در جوامع ثروتمند صنعتی، در حال رشد است. این گروه‌ها اساس تکاملی را تشکیل می‌دهند که بطرف يك استقلال بزرگتر پیش می‌روند، و بطرفی جهت‌گیری می‌کنند که اکثریت جامعه به آن نیاز دارد.

پرنیان ۲۹.۰۳.۲۰۰۶